

دوتا ۲۷۷	عهدعتیق / ۱۶
	اول و دوم پادشاهان
S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم ۲)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی، فرصت خواهید داشت با کتاب مقدس آشنا شوید. در حالیکه به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. امروز کتابهای اول و دوم پادشاهان را بررسی خواهیم نمود. در مورد منشأ آنها، خصوصیاتشان به عنوان مکاشفه الهی، و نیز تقسیم‌بندی‌شان مطالبی خواهیم آموخت. همچنین پیامهای اصلی کتابهای اول و دوم پادشاهان را از نظر خواهیم گذراند.

نکته ۱ - منشأ کتابهای پادشاهان

اول) نام کتاب

دو کتاب پادشاهان در اصل يك کتاب بودند، اما به‌هنگام ترجمه به زبان یونانی، مترجمان آن را به دو بخش تقسیم کردند، زیرا زبان یونانی نسبت به زبان عبری، به يك سوم فضای بیشتری نیاز داشت و درازای طومارهایی که مطالب بر آنها نوشته می‌شدند، محدود بود. وجود نام "پادشاهان" بدیهی است، زیرا این کتابها به شرح احوال ۱۹ پادشاه متعلق به پادشاهی شمالی اسرائیل، تا انقراض آن در زمان تبعید قوم اسرائیل به سرزمین آشور می‌پردازند، و همچنین به شرح احوال ۱۹ پادشاه مربوط به پادشاهی جنوبی یهودا، تا زمان انقراض آن در زمان تبعید به بابل پرداخته می‌شود.

دوم) نویسنده و زمان و تاریخ نگارش

"دو کتاب پادشاهان چگونه نوشته شدند؟" از آنجایی که این کتابها به وقایعی مرتبط می‌باشند که از سال رحلت داود در ۹۷۲ قبل از میلاد تا زمان مرگ نبوکدنصر در سال ۵۶۱ قبل از میلاد یعنی در يك دوره ۴۱۱ ساله، اتفاق افتادند، نویسنده برای نگارش این کتابها، می‌بایست از منابع اطلاعاتی مکتوب دیگری نیز بهره برده باشد. در پایان حکومت هر يك از پادشاهان، نویسنده به نگارش خلاصه‌ای از وقایعی می‌پردازد که قصد ندارد بسطشان دهد، زیرا فرض شده است که خواننده می‌تواند آنها را در "کتاب تواریخ ایام پادشاهان اسرائیل" (اول پادشاهان ۱۴: ۱۹) یا "کتاب تواریخ ایام پادشاهان یهودا" (اول پادشاهان ۱۵: ۷) بیابد. این دو منبع، اغلب حاوی شرح وقایع سیاسی بودند، از قبیل نحوه حکومت پادشاهان، فتوحات نظامی و ساختمان بناها به دست ایشان. کتابهای "تواریخ ایام پادشاهان" با بصورت دستنوشته‌های رسمی، یا خلاصه‌ای از آن موجود بود و در زمان گردآوری کتابهای پادشاهان، عموماً در اختیار قشر دانش‌آموخته قرار داشت. اول پادشاهان ۱۱: ۴۱ به منبع مهم دیگری نیز اشاره می‌کند، یعنی "کتاب وقایع سلیمان". سلیمان پادشاه از سال ۹۷۲ قبل از میلاد تا ۹۳۲ قبل از میلاد سلطنت کرد. این کتاب شاید حاوی بخش اعظم از مطالبی است که در فصلهای ۱ تا ۱۱ اول پادشاهان نیز یافت می‌شود. در این کتاب شرح وقایع سیاسی زمان حکومت سلیمان، حکمت او و بالاخص حکومت حکیمانه او، ساختمان بناها و بویژه بنای معبد و قصر او، و همچنین ملاقاتش با ملکه سبا تشریح شده است.

"دو کتاب پادشاهان چگونه نوشته شدند؟" داود پادشاه در سال ۹۷۲ قبل از میلاد رحلت کرد و مرگ نبوکدنصر پادشاه در سال ۵۶۱ قبل از میلاد اتفاق افتاد. این می‌تواند به معنای آن باشد که نویسنده، این کتابها را در زمان تبعید نوشته باشد. معهذاً، وجود دو واقعیت حاکی از آن هستند که نویسنده به احتمال زیاد کتابها را در زمانی "پیش از تبعیدی" که در سال ۵۸۶ قبل از میلاد رخ داد، نوشته باشد.

یک) اصطلاح "تا امروز" بارها تکرار شده است و اشاره‌ای است به تداوم برخی شرایط تا زمان نوشته شدن کتابهای پادشاهان، در غیر اینصورت، نویسنده این اطلاعات را نمی‌گنجاند. برای مثال، بر اساس اول پادشاهان ۹: ۲۰-۲۱، نسل اقوام کنعانی که قوم اسرائیل قادر به از میان بردنشان نبودند، بدست سلیمان به غلامی و کارگری گمارده شدند و "تا ایام" نویسنده کتاب پادشاهان، همچنان غلام باقی ماندند. از آنجا که "در زمان تبعید و پس از آن" امکان غلام ماندن آنها وجود نداشت، بنابراین چنین نتیجه‌گیری می‌شود که کتابهای پادشاهان در زمانی پیش از دوره تبعید نوشته شده‌اند.

دو) در اول پادشاهان ۸: ۸ آمده که صندوقچه (تابوت) عهد در زمانی که نویسنده، کتابهای پادشاهان را می‌نوشت، همچنان در معبد وجود داشت. اما ترجمه یونانی عهدعتیق، که بین سالهای ۲۵۰ تا ۱۵۰ قبل از میلاد تهیه شد، این مطلب را حذف کرد، زیرا "ساختمان معبد دوم، که پس از سپری شدن دوره تبعید بنا شد" دیگر حاوی صندوقچه (تابوت) عهد نبود. این بدان معنا است که نویسنده، کتابهای پادشاهان را قبل از ویرانی اولین معبد که به دست سلیمان بنا شده بود و در سال ۵۸۶ قبل از میلاد ویران شد، یعنی درست پیش از زمان تبعید نوشته شده باشد. با در نظر گرفتن این نکته که فصل ۲۵ از کتاب دوم پادشاهان، ضمیمه‌ای است که به احتمال بسیار زیاد، بعدها به کتابها اضافه شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که حتی اگر مطالبی که بصورتی فعلی در دست می‌باشند، پس از مرگ نویسنده گردآوری شده باشد، عمده مطالب کتابها، در زمانی پیش از تبعید سال ۵۸۶ قبل از میلاد نوشته شده باشد.

چه کسی دو کتاب پادشاهان را نوشت؟ کتاب مقدس در مورد هویت نویسنده کتابهای پادشاهان چیزی بازگو نمی‌کند. نویسنده می‌بایست از اعضای مکتب انبیا بوده باشد، زیرا کتاب، "شرح وقایع تاریخی است که در پرتو نبوت‌های انبیا" نوشته شده است. بطور مخصوص ایلیا و الیشع، جایگاه ویژه‌ای در این کتابها دارند. بنابراین، چنین نتیجه می‌گیریم که کتابهای پادشاهان احتمالاً توسط یکی از اعضای مکتب انبیا، و پیش از تبعید سال ۵۸۶ قبل از میلاد نوشته شده‌اند و در نگارش آنها از آثار مکتوب کاتبان پادشاهان و انبیا نیز استفاده شده است.

نکته ۲- تقسیم‌بندی و محتوای کلی کتابهای پادشاهان

موضوع اصلی کتابهای پادشاهان عبارت است از اینکه "حکومت خداسالاری ایده‌آل نمی‌تواند از طریق پادشاهان گناهکار و ضعیف انسانی تحقق یابد". دو کتاب پادشاهان را می‌توان به دو بخش اصلی به شرح زیر تقسیم کرد: "بخش نخست کتابهای پادشاهان" متشکل است از اول پادشاهان ۱ تا ۱۱. موضوع این بخش عبارت است از "پادشاهی متحد اسرائیل و یهودا تحت حکومت سلیمان پادشاه". این دوره از ۹۷۲ قبل از میلاد تا ۹۳۲ قبل از میلاد بطول انجامید. این بخش متشکل از ۵ قسمت می‌باشد:

اول پادشاهان ۱ تا ۲ شرح وقایع ۳ الی ۴ سال اول سلطنت سلیمان است.
اول پادشاهان ۳ تا ۴ شرح حکمت سلیمان، نحوه اداره کردن منظم او، قدرت او، ثروت و شهرت او است.
اول پادشاهان ۵ تا ۸ شرح ساختمان بنای معبد و قصر سلیمان است، و همچنین دعای سلیمان برای تقدیم کردن معبد.
اول پادشاهان ۹ تا ۱۰ شرح ظاهر شدن خدا بر سلیمان برای بار دوم، فعالیت‌های متعدد او و ملاقات با ملکه سبا است.
اول پادشاهان ۱۱ شرح ارتداد سلیمان، مسأله رقبای او، و وفات او می‌باشد.

"بخش دوم کتابهای پادشاهان" متشکل است از اول پادشاهان ۱۲ تا دوم پادشاهان ۱۷. موضوع اصلی این بخش عبارت است از "منقسم شدن دو پادشاهی" اسرائیل و یهودا. این دوره‌ای است بین سالهای ۹۳۲ قبل از میلاد تا ۷۲۱ قبل از میلاد این بخش متشکل از ۸ قسمت می‌باشد:

اول پادشاهان ۱۲ تا ۱۴ چگونگی تجزیه شدن پادشاهی میان رحبعام (پادشاهی یهودا)، و یربعام (پادشاهی اسرائیل) را شرح می‌دهد.

اول پادشاهان ۱۵ تا ۱۶ اصلاحات آسا، پادشاه یهودا، هلاکت یربعام پادشاه و بعشای پادشاه، و بت‌پرستی آخاب و ایزابل را در اسرائیل شرح می‌دهد.

اول پادشاهان ۱۷ تا ۱۹ سخنان و اعمال ایلایی "نبی" را شرح می‌دهد.

اول پادشاهان ۲۰ تا دوم پادشاهان ۱ نبردهای آخاب بر ضد ارمیان شرح داده شده است.

در دوم پادشاهان ۲ تا ۷ سخنان و اعمال الیشع "نبی" شرح داده شده است.

در دوم پادشاهان ۸ تا ۱۰ هلاکت کلیه خاندان آخاب شرح داده شده است.

در دوم پادشاهان ۱۱ تا ۱۴ عدم تفوق عتلیا در نابود ساختن سلسله سلطنتی یهودا، و رحلت الیشع نبی شرح داده شده است.

دوم پادشاهان ۱۵ تا ۱۷ به شرح احوال آن دسته از پادشاهان یهودا می‌پردازد که معاصر با "انبیایی" چون عاموس، هوشع، اشعیا و میکاه می‌زیستند، و همینطور شرح تبعید خاندان پادشاهی اسرائیل از سرزمین اسرائیل در سال ۷۲۱ قبل از میلاد تشریح شده است.

"بخش سوم کتاب پادشاهان متشکل است از دوم پادشاهان ۱۸ تا ۲۵".

موضوع این بخش عبارت است از "تداوم پادشاهی یهودا" پس از سقوط اسرائیل. این دوره از سال ۷۲۱ قبل از میلاد تا ۵۸۶ قبل از میلاد طول کشید. این بخش متشکل از ۵ قسمت است:

دوم پادشاهان ۱۸ تا ۲۰ رویارویی حزقیای پادشاه را با آشوریان شرح می‌دهد.

دوم پادشاهان ۲۱ شرارت منسی پادشاه را توصیف می‌کند.

دوم پادشاهان ۲۲ تا ۲۳ به شرح اصلاحات یوشیای پادشاه می‌پردازد.

دوم پادشاهان ۲۴ حملات اول و دوم نبوکدنصر، و تبعید شدن اهالی یهودا را به بابل به دستور نبوکدنصر در سال ۶۰۵ قبل از میلاد و همینطور در سال ۵۹۷ قبل از میلاد شرح می‌دهد.

دوم پادشاهان ۲۵ به شرح سومین حمله و آخرین نوبت تبعید شدن ساکنان یهودا به بابل به دستور نبوکدنصر را در سال ۵۸۶ قبل از میلاد شرح می‌دهد. همچنین ویرانی کامل اورشلیم و تخریب معبد، فرار ساکنان باقیمانده در یهودا به سرزمین مصر، و بالاخره آزاد شدن یهوایکین پادشاه پس از مرگ نبوکدنصر در سال ۵۶۱ قبل از میلاد شرح داده شده است.

نکته ۳- پیامهای اصلی کتابهای پادشاهان

اول) "پادشاهان" کتابهای نبوتی هستند.

یک کتابهای پادشاهان به شرح تاریخ پادشاهان اسرائیل و یهودا در پرتو انبیا می‌پردازد.

همانگونه که کتاب یوشع مقدمه‌ای بود بر عصر داوران اسرائیل، کتابهای سموئیل نیز مقدمه‌ای است بر عصر پادشاهان اسرائیل. اما هدف از نگارش کتابهای تاریخی پادشاهان آن است تا "تاریخ پادشاهان اسرائیل و یهودا در پرتو انبیا شرح داده شود". "تاریخ" بازگو شده در کتاب مقدس دارای جنبه‌ای مقدس است: این تاریخی است متمایز از تاریخ دنیوی، زیرا در کتاب مقدس این خدا است که سازنده تاریخ است. تاریخ بازگو شده در کتاب مقدس، به منزله مکاشفه خاصی است که خدا از وجود و افکار خود در لابلای وقایع تاریخ بشری آشکار کرده است. تاریخ بازگو شده در کتاب مقدس نبوتی است که از زبان انبیا و از طریق وقایع حادث شده بر انسانها و ملتها، بیان شده است. به همین دلیل یهودیان کتابهای تاریخی یوشع، داوران، سموئیل و پادشاهان را "انبیای متقدم" نامیدند. برخی وقایع در کتابهای تاریخ کتاب مقدس، به معانی ژرفتری اشاره می‌کنند، یعنی به وقایعی که تحقق آنها باید در آینده صورت بگیرد. برای مثال، عبور از رود اردن و تصاحب کردن سرزمین موعود در کتاب یوشع، اشاراتی هستند به برخاستن جسم از مرگ و ورود به آسمان. تمامی پادشاهان مذکور در کتابهای تاریخی کتاب مقدس، اشاره‌ای هستند به نیاز برای ظهور آن پادشاهی که باید بیاید، یعنی همان شخصی که با عدالت و انصاف بر کل جهان حکومت

خواهد کرد. کتابهای پادشاهان نیاز به وجود آن پادشاه-مسیح موعود را نشان می‌دهند، یعنی همان شخص که دست به اعمالی خواهد زد که از عهده هیچ پادشاه یا حکومت زمینی ساخته نیست.

دو. کتابهای پادشاهان به شرح روابط بین پادشاهان و انبیا می‌پردازد.

رسالت انبیا آن است تا به پادشاهان اسرائیل و یهودا نشان دهند که آنها همانند پادشاهان اقوام دیگر، صاحب قدرت نام نمی‌باشند. هر پادشاه از طریق خدمت انبیا، تحت حاکمیت خدا قرار دارد. در کتابهای تاریخی کتاب مقدس، انبیا به نیابت از خدا سخن گفتند و عمل کردند. در کتابهای پادشاهان، درباره انبیا بزرگی همچون ایلیا، الیشع و اشعیا می‌خوانیم. انبیا، واسطه‌های دریافت مکاشفات از سوی خدا هستند، خصوصاً تشریح اراده و احکام خدا اول به پادشاهان یهودا و اسرائیل و بعد به اتباع ایشان. انبیا اسرائیل، عوامل ضروری برای ایجاد تعادل و موازنه در پادشاهان اسرائیل می‌باشند. از سویی، انبیا در مقابل خودرایی، تکبر، ظلم، فساد و بت‌پرستی پادشاهان می‌ایستادند و این اعمال را محکوم می‌کنند، و از سویی دیگر انبیا نقشه نجات خدا را به پادشاهان و زیردستان ایشان اعلام می‌کنند و آن را توضیح می‌دهند.

نقش مهم انبیا که در کتابهای تاریخی کتاب مقدس آمده، هرگز نباید ناچیز قلمداد شود. وجود انبیا کاملاً ضروری بود تا پادشاهان را چه در ارتباطشان با خدا و چه در خدمتشان در مقام پادشاه، در راه راست نگاه دارند. این واقعیت ثابت می‌کند که تفکر آرمانی موجود از خداسالاری، یعنی آرمان حکومت مستقیم خدا از طریق پادشاهان زمینی، هرگز نمی‌توانست از طریق انسانهای گناهکار و ضعیف تحقق یابد. کتاب مقدس صریحاً نشان می‌دهد که انبیا و پادشاهان و کاهنان در اسرائیل به وجود یکدیگر نیاز داشتند. "انبیا" با همان اقتداری سخن می‌گفتند که از جانب خدا به ایشان داده می‌شد. رسالت آنان این بود تا اراده خدا را برای پادشاهان، کاهنان و مردم آشکار کنند و توضیح بدهند. "پادشاهان" با فیض خدا حکومت کردند. رسالت آنان این بود تا با انصاف و عدالت، یعنی بر اساس کلام خدا بر مردم حکومت کنند، و اینکه با فساد و بت‌پرستی روحانی مبارزه کنند. "کاهنان"، تحت هدایت خدا به خدمت می‌پرداختند. وظیفه آنان این بود تا خدا را عبادت و خدمت کنند و به مردم بیاموزند تا آنها نیز بر اساس اوامر خدا، او را عبادت و خدمت کنند.

سه. کتابهای پادشاهان نشان می‌دهند که آرمان خداسالاری باید توسط آن پادشاه و مسیح موعود به تحقق درآید.

کتاب مقدس می‌آموزد که همه انسانها گناه کرده‌اند و از کمال پر جلال خدا قاصر می‌باشند. کتابهای پادشاهان نشان می‌دهند که انبیا، پادشاهان و کاهنان اسرائیل آکنده از عیب و نقص بودند. کتابهای پادشاهان همچنین نشان می‌دهند که در اسرائیل انبیا دروغین، پادشاهان شریر و کاهنان فاسد نیز وجود داشت. بنابراین کتابهای تاریخی صراحتاً می‌آموزند که انسانهای پرنقص و فاسد، در نهایت امر قادر نیستند تا در مقام نبی یا پادشاه یا کاهن سودمند باشند. همینطور نشان می‌دهند که انسانهای گناهکار برای نجات یافتن از گناه، به وجود نجات‌دهنده‌ای نیاز دارند. این کتابها نشان می‌دهند که انسانهای خطاکار جهان به "نبی، پادشاه و کاهنی" نیاز دارند که کاملاً عاری از گناه و بطور مطلق کامل باشد.

بنابراین، "کتابهای تاریخی کتاب مقدس، کتابهای نبوتی هستند: این کتابها به وجود نیاز برای ظهور آن مسیح موعود، یعنی عیسی مسیح" که کاملاً عاری از گناه و بطور مطلق کامل خواهد بود، اشاره می‌کنند، یعنی همان شخصی که "آخرین نبی، بزرگترین پادشاه و اعظم‌ترین کاهن" در کل تاریخ بشر خواهد شد. پولس رسول این را در غلاطیان، فصلهای ۳ و ۴ توضیح می‌دهد. کل هدف عهدعتیق این بود تا ما را "به مسیح برساند" (غلاطیان ۳: ۲۴-۲۵). و آنگاه که خدا به ابراهیم فرمود که يك نفر از ذریت او قرار بود تا باعث برکت یافتن تمام نژادهای روی زمین شود، عیسی مسیح باید آن عهد فیضی را که خدا با ابراهیم بسته بود، متحقق می‌ساخت (پیدایش ۲۲: ۱۸). این ذریت ابراهیم همانا عیسی مسیح است (غلاطیان ۳: ۱۴-۱۸ و ۲۹).

دوم) کتابهای پادشاهان حاوی نمونه‌های هشداردهنده هستند.

کتابهای پادشاهان به انسانها هشدار می‌دهند تا از دل‌بستگی به چیزهای بد دوری جویند (اول قرن‌تین ۱۰: ۶ و ۱۱).

"هشدار اول: خدا را از دل و زندگی خود خارج مساز."

سلیمان پادشاه، تا زمان ظهور مسیح، حکیمترین انسان بر روی زمین محسوب می‌شد، زیرا عیسی مسیح "شخصی بزرگتر از سلیمان" نامیده شده است (متی ۱۲: ۴۲). اول پادشاهان ۴: ۲۹-۳۴ می‌فرماید که خدا به سلیمان حکمت و بصیرت و فهم بسیار فراوانی بخشید. حکمت او عالیتر از حکمت تمام مردان مشرق‌زمین، و عالیتر از تمامی حکمت سرزمین مصر بود. او از هر انسانی حکیمتر بود. او سه‌هزار مثل بیان کرد و سروده‌های او به بالغ از هزار و پانصد عدد می‌رسند. او چگونگی حیات گیاه را توصیف کرد و در مورد جانوران و پرندگان، خزندگان و ماهیان تعلیم داد. مردمان از هر قومی نزد او می‌آمدند تا به حکمت او گوش بسپارند. بخش اعظم حکمت سلیمان در کتابهای امثال، جامعه، و غزل غزلها ثبت شده است. اینها را بخوانید؛ قطعاً حکمت بسیار زیادی خواهید آموخت.

اما سلیمان پادشاه در مقام حکیمترین انسان باقی نماند. اول پادشاهان ۱۱: ۴ بسیار غمانگیز است: "و در وقت پیری سلیمان واقع شد که زنانش دل او را به پیروی خدایان غریب مایل ساختند، و دل او مثل دل پدرش داود با یهوه، خدایش کامل نبود." از آنجایی که دل سلیمان پادشاه از خدا برگشته بود تا بتها را بپرستد، خدا نیز از او روی برگرداند. از آنجایی که سلیمان پادشاه، خدا را از دل و زندگی خویش بیرون کرده بود، خدا ده سبط از قوم را از او گرفت و به یربعام پادشاه بخشید. مطلب بسیار حکیمانه‌ای که خدا به سلیمان آموخته بود در امثال ۲۳: ۲۶ یافت می‌شود: "ای پسر من دل خود را به من بده، و چشمان تو به راههای من شاد باشد." چقدر غمانگیز است که سلیمان پادشاه حکیم از نصیحت خود متابعت نکرد.

هیچ چیز مانند برگرداندن دل از خدای کتاب مقدس باعث تباهی زندگی شخصی نمی‌شود. هیچ چیز مانند بستن در قلب بر عیسی مسیح باعث تباهی حیات يك قوم نمی‌گردد. اگر انسان آفتاب را از آسمان بردارد، دیگر نه علفی در بین خواهد بود و نه گلی و نه باغ میوه‌ای. به همین ترتیب هنگامی که انسانها، خدای کتاب مقدس را از دل و زندگی خویش خارج می‌سازند، دیگر نه عدالتی در بین خواهد بود و نه تقدسی و نه محبتی.

"هشدار دوم. به سخنان خدا که از طریق انبیا بر زبان آورده شده گوش بسیار."

در اول پادشاهان ۱۲: ۲۶ تا ۱۳: ۶، درباره بتهای یربعام می‌خوانیم. بر اساس تثنیه ۱۲: ۸-۱۴ و ۱۶: ۱۵-۱۷، مرسوم بود که تمام قوم اسرائیل، جهت عبادت خداوند در معبد، سه مرتبه در سال به اورشلیم سفر کنند. پس از تجزیه پادشاهی، یربعام پادشاه ترسید که با سفر ده سبط شمالی اسرائیل به اورشلیم که پایتخت پادشاهی جنوبی یهودا نیز بود، مردم اسرائیل بر ضد او شورش کنند. پس او دو بت به شکل گوساله‌های طلایی ساخت و آنها را در مکانهای مناسبی در بیت‌ئیل در جنوب، و در دان در نواحی شمال محدود پادشاهی خویش نصب کرد تا مردم ناچار نباشند به اورشلیم سفر کنند. بیش از بیست مرتبه او اینچنین توصیف شده است: "یربعام بن نباط که اسرائیل را مرتکب گناه ساخت". او در مقام پادشاه، با عبادت کردن خدای کتاب‌مقدس مخالفت ورزید و خدای شخصی خود را به داخل سرزمین و در میان قوم، وارد کرد.

نبی‌ای از یهودا (اول پادشاهان ۱۳: ۱) آمد و روبروی یربعام در برابر مذبح بیت‌ئیل ایستاد و فرمود که در آینده، خدا پادشاهی بنام یوشیا را بر خواهد انگیزد تا کاهنان دروغین یربعام را بر مذبح‌ایشان قربانی کند و مذبحها را با سوزاندن استخوانهای انسان نجس سازد. بعنوان نشانه‌ای دالّ بر وقوع این اتفاق، مذبح بیت‌ئیل شکافته شد و خاکستر آن بر زمین ریخته شد. یربعام دستش را بسوی نبی دراز کرد و فریاد برآورد: "او را بگیرید." دست دراز شده او فوراً خشک شد، طوری که نتوانست دستش را عقب بکشد، و مذبح شکافته شد و خاکسترش بر زمین ریخت. بعدها، آخیای نبی، همسر یربعام را فرستاد تا به او پیغام دهد که بدلیل شرارت و بت‌پرستی یربعام، خداوند افراد ذکور را از خاندان او منقطع خواهد ساخت. و خدا پادشاهی شمالی اسرائیل را ترک خواهد کرد، و آن را از سرزمین کنعان ریشه‌کن خواهد ساخت و در آنسوی رود فرات پراکنده خواهد کرد.

"سخنانی که خداوند که از طریق انبیای خویش بر زبان آورد، همیشه تحقق می‌یابند." نخست، ناداب، جانشین یربعام، کلیه اعضای خانواده یربعام را هلاک کرد و حتی يك نفر را هم باقی نگذاشت (اول پادشاهان ۱۵: ۲۹-۳۰). سپس، دویست سال بعد، آشوریهایی تمامی قوم اسرائیل را به خارج راندند و آنها را در سرزمینهای شرق پراکنده ساختند، و آنها دیگر از آنجا باز نگشتند (دوم پادشاهان ۱۷: ۲۲-۲۳). پس از آن، سیصد سال بعد، یوشیای پادشاه، کلیه کاهنان اسرائیل شمالی را بر مذبح‌ایشان قتل‌عام کرد، و استخوانهایی از گور انسانها را بر مذبحها سوزاند و مذبح بیت‌ئیل و تمامی مکانهای بلندی را که به بت‌پرستی اختصاص داشتند خراب کرد (دوم پادشاهان ۲۳).

خدای کتاب‌مقدس به ما هشدار می‌دهد تا به سخنان انبیا در کتاب‌مقدس گوش بسیاریم. دوم پطرس ۱: ۱۹-۲۱ می‌فرماید: "و شما نیز اگر به کلام انبیا با دقت بیشتری توجه نمایید کار بسیار خوبی می‌کنید زیرا کلام ایشان همچون نور بر همه زوایای تاریخ میتابد و نکات مبهم و دشوار را برای ما روشن می‌سازد. با مطالعه و دقت در کلام ایشان نور در وجودتان طلوع خواهد کرد و مسیح این ستاره صبح در قلبتان خواهد درخشید. این را بدانید که هیچیک از پیشگویی‌های کتاب آسمانی از فکر خود انبیا تراوش نکرده، بلکه روح القدس در وجود این مردان خدا قرار می‌گرفت و حقیقت را به ایشان عطا می‌کرد تا بازگو نمایند."

کتابهای پادشاهان، کتابهای تاریخی هستند که در پرتو نبوت نوشته شدند. خدای کتاب‌مقدس از ما می‌خواهد تا از نمونه‌های نیکوی پادشاهان متابعت کنیم و به خدا ایمان آوریم، و از پیروی نمونه‌های بد پادشاهان نامطیع، احتراز کنیم.

تکلیف برای هفته آینده

- اول) در طول هفته آینده، کتابهای اول و دوم تواریخ را بخوانید. هفته آینده، به معرفی کتابهای تواریخ خواهیم پرداخت.
- دوم) کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم....
- سوم) هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.